

مصاحبه اختصاصی با دکتر محمد قویدل سیوکی افق‌های پیش‌روی اکتشاف منابع هیدروکربوری در کشور

محسن کرمانشاه ■ مدیریت برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران

زندگی‌نامه

دکتر محمد قویدل سیوکی متولد ۱۳۲۴ هجری خورشیدی سیوکی در حومه تربت حیدریه از استان خراسان رضوی است. وی تحصیلات خود را در زمینه علوم زمین‌شناسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد طی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۹ در دانشگاه تهران به پایان رسانده و در طول خدمتش در شرکت ملی نفت ایران، موفق به دریافت بورسیه تحصیلی این شرکت به منظور ادامه تحصیل در مقطع دکترا و در شاخه پالئونولوژی علوم زمین در دانشگاه میشیگان آمریکایی طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۶۴ گردید. قویدل در فاصله سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۶ در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران حضور و فعالیت داشته است. وی هم‌اکنون به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره دانشگاه تهران مشغول به فعالیت در مجموعه انیستیتوی نفت تهران است. شایان ذکر است در مراسم گرامی داشت انتشار یکصدمین شماره ماهنامه اکتشاف و تولید، به پاس یک عمر فعالیت بی‌وقفه و مؤثر دکتر قویدل در صنعت نفت و گاز، از ایشان به عنوان چهره ماندگار عرصه بالادست تقدیر به عمل آمد.



اکتشاف متولید: لطفاً سابقه فعالیت‌های خود

را در طول خدمت در شرکت ملی نفت ایران

بیان فرمائید.

اینجانب از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۴ به عنوان زمین‌شناس و با مسئولیت فسیل‌شناسی در سرچاه‌های میادین نفتی مارون، اهواز، پازنان، دهلران، موسیان، چشمه‌خوش، لالی، بندرعباس و ... در شرکت ملی نفت ایران مشغول به کار بوده‌ام. در سال ۱۳۶۱ رسوبات دونین (Devonian) را در حوضه زاگرس کشف کردم که این موضوع در سال ۱۳۶۴ جهت بررسی نهائی به صورت مقاله‌ای در ششمین کنفرانس بین‌المللی پالئونولوژی در کالگری کانادا ارائه گردید. این کشف و تصویب آن از جانب کنفرانس مذکور، موجب افزایش انگیزه بنده جهت گسترش تحقیقات زمین‌شناسی در کشور شد. لازم به ذکر است با کشف این موضوع

حفر پنجاه حلقه چاه دیگر جلوگیری به عمل آمد. در ادامه به منظور حفاری جهت دستیابی به منابع نفت و گاز جدید در افق‌های زمین‌شناسی بسیار قدیمی‌تر، تحقیق و بررسی روی رسوبات

مشکلات زمین‌شناسی چاه شیرین شماره یک در شمال بندرعباس رفع شد و با استفاده از این دانش نو (پالئونولوژی) که برای اولین بار در ایران به کار گرفته می‌شد از صرف هزینه‌های مربوط به



پالئوژئیک در حوضه‌های زاگرس، البرز و ایران مرکزی را آغاز کردم که نتیجه این مطالعات منجر به تکمیل اطلاعات مربوط به افق‌های رسوبی حوضه زاگرس و خلیج فارس و سایر نقاط ایران شد؛ به طوری که هم‌اکنون در صورت حفاری افق‌های پالئوژئیک و استفاده از این اطلاعات، کنترل چاه‌های عمیق این حوضه‌ها با مشکل خاصی روبرو نیست. این تلاش منجر به کشف رسوبات اردوئین بالائی (Ordovician Late)، رسوبات دونین و معرفی سه واحد سنگ‌چینه‌ای جدید به نام سازندهای سیاهو، سرچاهان و زاکین در حوضه زاگرس شد که به تصویب کمیته ملی چینه‌شناسی ایران نیز رسید. از میان واحدهای سنگ‌چینه‌ای مذکور، در حوضه زاگرس سازندهای سرچاهان و سیاهو به عنوان سنگ مادر و سازند زاکین به عنوان سنگ مخزن مشهورند. لازم به یادآوری است که سازندهای سرچاهان و سیاهو سنگ مادر سازندهای زاکین، فراقون، دالان، کنگان و سورمه محسوب می‌شوند. ستون چینه‌شناسی مذکور در حاشیه سینتار Reservoir Optimization Conference که در سال ۲۰۰۳ توسط شرکت بین‌المللی شلمبرژه در ایران برگزار شده بود ارائه گردید که کمک به سزایی در شناخت سازندهای این ناحیه داشت.

هم‌چنین از دیگر نتایج مطالعات و تحقیقات اینجانب، تغییر نگرش جدی در جایگاه واقعی زمین‌شناسی ایران نسبت به نگرش‌های قبلی در خصوص دو ابرقاره قدیمی یعنی ابرقاره گندوانا در نیم کره جنوبی و ابرقاره لورازیا در نیم کره شمالی است؛ چراکه قبل از این تحقیقات حوضه‌های رسوبی البرز و ایران مرکزی به ابرقاره لورازیا و زاگرس به ابرقاره گندوانا نسبت داده می‌شد. نتایج مطالعات بنده روشن ساخت که هر سه حوضه رسوبی ایران متعلق به ابرقاره گندوانا بوده است. نظر به اینکه اکثر کشورهای متعلق به ابرقاره گندوانا (مثل الجزیره، لیبی، مراکش، تونس، آمریکای جنوبی، عربستان سعودی) نفت خیز هستند، با تعیین تعلق البرز و ایران مرکزی به ابرقاره گندوانا، پتانسیل هیدروکربوری کشورمان چندین برابر افزایش می‌یابد. هم‌چنین از دیگر فعالیت‌های اینجانب نیز کشف دو گونه جدید فسیل با تصویب کمیته بین‌المللی فسیل‌شناسی است.

اکتشاف متولید: تحلیل جنابعالی در خصوص پیش از یکصد سال فعالیت اکتشافی در کشور چیست و این فعالیت‌ها به چه دوران‌هایی قابل تقسیم است؟

چنین فعالیت‌هایی در تمام دنیا مراحل مشخصی دارد که نخستین آنها مطالعات زمین‌شناسی، برداشت از ناحیه، مطالعات فسیلی و پالئولوژی، عملیات لرزه‌نگاری و در انتها حفاری چاه‌های اکتشافی در نواحی بکر با ریسک زیاد اکتشافی می‌باشد. فعالیت‌های اکتشافی در ایران به سه دوران اول، دوم و سوم زمین‌شناسی قابل تقسیم است. در ابتدا عمده فعالیت‌های اکتشافی به دوران سوم زمین‌شناسی معطوف شده بود که نتیجه این فعالیت‌ها کشف و بهره‌برداری از میداین در مناطقی مثل مسجدسلیمان، گچساران و سازند آسماری میدان آغاچاری که نسبت به سایر سازندهای زمین‌شناسی عمق کمتری دارند بود. در ادامه با پیشرفت علوم زمین، مطالعات انجام شده و فن‌آوری‌های جدید در صنعت نفت، ایران قادر به شناسایی افق‌های عمیق‌تری از دوران دوم زمین‌شناسی شد. بسیاری از سازندها مانند ایلام و سروک در زمره اکتشافات مربوط به این دوره زمین‌شناسی هستند. در مرحله بعد پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز شناسایی بسیاری از سازندهای مرتبط با دوران زمین‌شناسی اول که پایین‌تر از دوره تریاس هستند در قالب فعالیت‌های اکتشافی دهه ۶۰ صورت پذیرفت.

اکتشاف متولید: وضعیت فعلی اکتشاف کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از دیدگاه بنده فعالیت‌های اکتشافی در سال‌های پس از انقلاب از وضعیت مناسبی برخوردار بوده که در این زمینه می‌توان به کشف منابع هیدروکربوری بزرگی (مثل میدان عظیم پارس جنوبی، میدان آزادگان، ساختارهای کوشک و حسینیه و میدان جفیر) در چند سال گذشته اشاره کرد که این اکتشافات نقش به‌سزایی در افزایش حجم هیدروکربن در جای کشور داشته و شرکت ملی نفت ایران در زمینه اکتشاف منابع هیدروکربوری (نفت و گاز)، به عنوان رتبه نخست جهان معرفی شده است. این امر نشان می‌دهد چنانچه برنامه‌ریزی منسجمی جهت اکتشاف منابع هیدروکربوری صورت پذیرد، کشف منابع جدید در اکثر مناطق

ایران دور از ذهن نبوده و در طول سال‌های آتی شاهد افزایش بیش از پیش حجم هیدروکربن در جای کشور خواهیم بود. در این راستا انجام مطالعه روی نواحی شمال بندرعباس و هم‌چنین نواحی لرستان و ایران مرکزی راهکار مناسبی خواهد بود.

اکتشاف متولید: جنابعالی توانمندی داخلی را در چه بخش‌هایی از زنجیره فعالیت‌های اکتشافی مناسب ارزیابی می‌کنید و به نظر شما در چه بخش‌هایی نیاز به فعالیت بیشتری داریم؟

شرکت ملی نفت ایران در زمینه انجام فعالیت‌های ژئوفیزیکی و نقشه‌برداری موفقیت‌های بسیاری داشته و توانسته با بهره‌گیری از این قابلیت‌ها پتانسیل فراوانی در این حوزه ایجاد کند. ولی از منظر آزمایش‌های مربوط به مطالعات اکتشافی و زمین‌شناسی ساختمانی، در مرحله متوسطی قرار داریم که ضروری است امکانات و تجهیزات به‌روز دنیا برای انجام چنین مطالعاتی به‌خدمت گرفته شود.

اکتشاف متولید: نحوه تربیت نیروی انسانی در بخش اکتشاف را چگونه ارزیابی می‌کنید و برای بهبود سیستم آموزشی در این بخش چه پیشنهادهایی دارید؟

از دیدگاه بنده، در سال‌های گذشته شرکت ملی نفت ایران در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه اکتشاف به موفقیت‌هایی دست یافته؛ اگرچه هنوز این موضوع با چالش‌های بسیاری نیز روبرو است که باید سعی کرد نواقص موجود برطرف گردد. به نظر می‌رسد در این راستا آموزش نیروهای متخصص حین خدمت از اولویت زیادی برخوردار باشد؛ به نحوی که به منظور ایجاد ساختار نیروی انسانی متبحر و متخصص در قالب پروژه‌های مشترک با کشورهای مطرح بتوان این آموزش‌ها را در قالب فعالیت‌های بین‌المللی انجام داد. با توجه به اهداف مورد نظر در سیاست‌های کلی وزارت نفت، ضروری است در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری روی منابع انسانی صورت گیرد. شایان ذکر است در این حوزه نظارت و کارفرمایی کارشناسان در پروژه‌های شرکت ملی نفت ایران به‌تنهایی مناسب و کافی نبوده و ضروری است کارشناسان در پروژه‌های مذکور شرکت کرده و حضور مستمر داشته باشند. ■